



حسام نیکوپور

معاون پژوهشی موسسه عالی پژوهش  
تأمین اجتماعی

## نابرابری و کارکرد نظام منعطف تأمین اجتماعی

در روزهای گذشته مرکز آمار گزاری درباره مابه‌التفاوت دخل و خرج خانوار در سال ۹۷ منتشر کرده که نتایج آن از چند زاویه قابل توجه است. نخست اینکه با افزایش بی‌ثباتی در اقتصاد، به‌طور حتم فقر اضرر بیشتری خواهند کرد. این جمله را بارها شنیده‌ایم که تورم، مالیات فقر است، چرا که تورم توزیع درآمد و نابرابری درآمدی را تشدید می‌کند و این قابل پیش‌بینی است در کشوری که در مقاطع مختلف نرخ‌های تورم بالا را تجربه کرده، رفاه گروه‌های پایین درآمدی کاهش پیدا می‌کند. در ایران یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش گسترش فقر، هزینه و درآمد خانوار و نسبت دهک‌های بالا به پایین است. به‌طور کلی سه عارضه بیکاری، کاهش قدرت خرید کافی و نابرابری درآمدی دلایلی‌اند که به گسترش فقر در کشور منجر می‌شوند و در گزارش مرکز آمار هم به آن‌ها توجه شده است. در مقوله بیکاری، درست است که نرخ بیکاری ۱۲ تا ۱۳ درصد اعلام شده، اما آنچه مهم است بیکاری جوانان و زنان است که آمارهای آن بسیار بالاست. در بحث قدرت خرید نیز باید به دو شاخص میزان کاهش درآمد و افزایش درآمد دقت کرد. مشخص است که با کاهش ارزش پول ملی، قدرت خرید خانوار کاهش می‌یابد و این به افزایش تعداد فقرا می‌انجامد. پیام اصلی تشدید نابرابری درآمدی نیز این است که شماری از اقشار و گروه‌ها از قبیل بازنشتگان، کم‌توان‌ها و... نمی‌توانند خودشان را از رشد منفی درآمد‌ها محافظت کنند. در چنین شرایطی، سیاست‌هایی که معمولاً انتظار می‌رود دولت‌ها دنبال کنند، گسترش اشتغال، حفظ قدرت خرید و افزایش دارایی گروه‌های کم‌درآمد است. مسئله این است که تورم و رشد اقتصادی منفی همه این موارد را متاثر می‌کند. در اینجاست که نقش تأمین اجتماعی مطرح می‌شود. یعنی لازم است گونه‌ای از نظام تأمین اجتماعی کارا و انعطاف‌پذیر وجود داشته باشد که نوسانات اقتصادی را پوشش دهد. اساس فلسفه وجودی تأمین اجتماعی این است که نوسانات را کنترل و به‌مثابه تثبیت‌کننده اجتماعی و اقتصادی عمل کنند. کارکرد بیمه بیکاری و تعهدات کوتاه‌مدت و پرداخت‌های حمایتی همین است که نقش تثبیت‌کننده خود را ایفا کند. گزارش مرکز آمار نیز نکاتی قابل تأمل دیده می‌شود. براساس داده‌ها در دو سال اخیر متأسفانه یک دهک شهری و یک دهک روستایی به شمار گروه‌هایی که هزینه‌های ماهانه‌شان ملاز در بر درآمد آنهاست اضافه شده است. موضوع دیگر این است که فشار هزینه‌ای بیشتر به سمت گروه‌های کم‌درآمد رفته که به‌معنای افزایش شوک درآمدی میان دهک‌هاست. یادآوری می‌شود این محاسبات براساس قیمت‌های جاری صورت گرفته و اگر سال منارادو یا سه سال پیش قرار دهیم...

ادامه در صفحه ۴

# فقر در تنگنای شکاف هزینه و درآمدها

اطلاعات جدید مرکز آمار، حکایت از آن دارد که به‌رغم مثبت شدن تراز دخل و خرج‌ها، کسری نقدینگی خانوارها تشدید شده است



چرخه اقتصاد ایران بعد از دوره‌ای پرفراز و فرود، چند ماهی است سمت و سوی نظام یافته تری گرفته است. آمارش نسبی در بازار از حاکم شده، نرخ بیکاری و تورم نقطه‌به‌نقطه کمی کاهش یافته و شاخص‌های عملکرد بازار سرمایه و از سرعت افتادن آهنگ رشد سریع قیمت‌ها نیز علانمی دال بر کاهش شدت التهابات دارند. اما در سطح خرد هنوز علائم و نشانه‌های رونق نمایان نشده است و این را داده‌هایی که مرکز آمار از نتایج طرح آمارگیری از وضع دخل و خرج خانوارها منتشر کرده، تأیید می‌کند. طبق این گزارش، شکاف منفی هزینه و درآمد در سه‌دهک کم‌درآمد مشهود است، دخل و خرج شش دهک بدتر شده، وضع سه‌دهک پر درآمد بهبود یافته و...

بهبود اوضاع دهک‌های میانی به بالاست که البته نوسانات زیادی هم دارد. جز دهک پنجم که مابه‌التفاوت هزینه و درآمد آن تقریباً بدون تغییر بوده، در الباقی دهک‌ها، عموماً درآمد‌ها بیش از هزینه‌ها بوده است. این البته به‌معنای بهبود وضع این دهک‌ها هم نیست، چرا که برای نمونه درآمد‌های خانوارهای دهک ششم نسبت به هزینه‌ها حدود ۱۳ درصد کمتر شده و در دهک هشتم نیز شکاف درآمد و هزینه ۲۵ درصد بدتر شده است. دهک هفتم اولین دهکی است که داده‌های مرکز آمار می‌گوید به‌طور معناداری وضع خانوارهای آن نسبت به سال قبل بهتر شده و شکاف مثبت دخل و خرج آن ۱۹ درصد افزایش، ۶۰ هزار تومان افزایش به ۳۲۰ هزار تومان رسیده است. در نهایت به‌دو دهک آخر یا مرفه می‌رسیم که تغییرات مابه‌التفاوت مثبت دخل و خرج آن‌ها به ترتیب ۴/۵ و ۴۵/۳ درصد بوده است. به این ترتیب دهک دهم را باید تنها دهکی دانست که خانوارهای آن جهشی چشمگیر در درآمد و هزینه‌های خود داشته‌اند. برای فهم چرایی این تفاوت معنادار شکاف‌های مثبت و منفی دهک‌ها باید به اثر گذاری متغیرهای مداخله‌گر ثانویه توجه کرد. در واقع بحث این است که شیوه‌های کسب درآمد ثروتمندان با گروه‌های کم‌تر برخوردار از اساس متفاوت است. براساس آخرین داده‌های مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که مربوط به سال ۹۶ است، حدود ۴/۴ درصد درآمد‌های خانوارها در مناطق شهری از مشاغل مزد و حقوق‌گیری به‌دست آمده، ۱۶/۱ درصد از مشاغل آزاد و ۴۹/۵ درصد از محل درآمد‌های متفرقه تأمین شده است. به‌طور معمول درآمد‌های دهک‌های بالایی برعکس دهک‌های پایینی که وابستگی‌شان به مشاغل مزد و حقوق‌گیری بالاست، از طرق دیگر نظیر افزایش ارزش اموال و دارایی‌ها به‌دست می‌آید. یعنی همان حوزه‌هایی که در شرایط تورمی بیشترین سود را نصیب مالکان آن‌ها می‌کند. طبیعی است که در شرایط تورمی، اختلاف سرعت رشد درآمد‌ها متناسب با رشد قیمت‌ها و هزینه‌ها نیست و به همان میزان که ممکن است از قدرت تأمین‌کنندگی مشاغل مزد و حقوق‌گیری کم شود، سهم‌بری درآمدهای خانوار به‌خصوص در دهک‌های پایین نیز از این مشاغل کاهش یابد و جبران هزینه‌ها دشوارتر شود که خود رنگ خطری جدی از سقوط درآمدی خانوارهای فقیر است.

سال ۹۶ و مقایسه آن با آمارهای سال ۹۷ روشن‌تر می‌شود. بررسی تطبیقی داده‌های مربوط به دخل و خرج خانوار نشان می‌دهد در حالی که دو دهک درآمدی در سال ۹۶ کمتر از مخارج‌شان، درآمد کسب کرده‌اند، سال گذشته شکاف منفی درآمد و هزینه به دهک سوم نیز سرایت کرده است. توضیح اینکه در سال گذشته وضع شش دهک بدتر از سال قبل از آن شده و تنها وضع سه دهک بهبود یافته است که از قضا هر سه از دهک‌های بالای درآمدی بوده‌اند. نکته‌ای که در هر دو سال و میان تمام دهک‌ها تقریباً نمود بارزی دارد، این است که هر چه به سمت دهک‌های پردرآمدتر می‌رویم، از شکاف منفی درآمد و هزینه کاسته می‌شود و از دهک چهارم به بعد شکاف‌ها مثبت می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سه دهک درآمدی، مجموع مخارج بیش از درآمد‌ها بوده است. در واقع سه دهک پایین درآمدی در نقاط شهری به ترتیب ۲۴۹ هزار تومان، ۱۳۷ هزار تومان و ۱۷ هزار تومان کسری درآمدی داشته‌اند. در مقابل نیز خانوارهای دهک‌های چهارم تا دهم به‌طور متوسط ۵۵ هزار تومان، ۱۷۲ هزار تومان، ۲۰۵ هزار تومان، ۳۲۰ هزار تومان، ۳۹۰ هزار تومان، ۸۰۷ هزار تومان و یک میلیون و ۹۲۹ هزار تومان بیشتر از هزینه سالانه‌شان درآمد داشته‌اند. اگر تفاوت سطح درآمد و هزینه خانوارها در دو سال اخیر را مقایسه کنیم مشاهده می‌کنیم سال گذشته شش دهک (دهک‌های اول تا چهارم، ششم و هشتم) نسبت به سال ۹۶ وضعیت بدتری از لحاظ مابه‌التفاوت ریالی تجربه کرده‌اند و از آن سو نیز سه دهک پردرآمد، (دهک‌های هفتم، نهم و دهم) وضع بهتری داشته‌اند. بیشترین اختلاف مابه‌التفاوت منفی مربوط به دهک دوم بوده که میزان شکاف منفی درآمد و هزینه در آن تقریباً دو برابر شده است. در دهک سوم نیز تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، وضع خانوارها نه تنها بهبود نیافته، بلکه تراز درآمد و هزینه بر خلاف سال ۹۶ که مثبت ۱۸ درصد بوده، سال گذشته تغییر جهت داده و منفی ۱۷ درصد شده است. شکاف دخل و خرج برای دهک چهارم نیز با آنکه در هر دو سال مثبت بوده، سال گذشته تقریباً نصف شده است.

**بهبود اوضاع دهک‌های میانی به بالا**  
در تحلیل یافته‌های مرکز آمار آنچه بارز است،

اختلاف مثبت میانگین درآمد و هزینه مجموع خانوارهای شهری در سال‌های ۹۵ تا ۹۷ به ترتیب ۱۰/۲، ۱۰/۲ و ۹/۶ درصد بوده و از آن طرف هم در میان روستائیان اختلاف رشد درآمد‌ها به هزینه‌ها ۱۱/۳، ۱۱/۵ و ۸ درصد بوده است. این شاخص نشان می‌دهد مقدار سهمی که خانوارها در سال گذشته می‌توانسته‌اند پس‌انداز کنند از دو سال گذشته کمتر بوده است. یادآوری این نکته الزامی است که در حالت معمول مابه‌التفاوت درآمد و هزینه خانوار الزاماً این معنارانی‌دهد که خانوارها درآمدهای اضافه بر هزینه‌های خود را پس‌انداز کرده‌اند. طبق تعریف رایج، پس‌انداز عبارت است از: بخشی از درآمد‌ها که خرج نمی‌شوند، اما در تحلیل‌های کلان اقتصادی این برداشت ناقص است. مفهوم صحیح پس‌انداز در سطح کلان از نسبت تولید متناظر چنین وضعی، اقدام به سرمایه‌گذاری درآمدهای اضافی خانوار است که از این طریق می‌توان معنای حقیقی پس‌انداز را فهمید. این مسئله را در ادامه می‌توان با شناسایی مدل رفتاری خانوار در موضوعاتی مانند هزینه‌های بیمه‌ای فهمید. به این صورت که در شرایط پرنوسان اقتصادی، سهم اقدام غیرخوراکی در بودجه خانوار آنچنان بالای می‌رود که سرپرستان خانوار، افزایش هزینه‌های خود را با کاستن از مخارج‌شان در برخی حوزه‌ها مانند بیمه‌های اجتماعی و درمانی جبران می‌کنند. مثال بارز این حالت، تجربه دو سال متفاوت ۹۱ و ۹۵ است که طبق آمارها خانوارها ۲/۲ و ۴/۳ درآمدهایشان را در بخش بیمه‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری کرده بودند.

**کوچک تر شدن سبد دهک‌های فقیر**  
شاخص دیگری که باید به بررسی دقیق‌تر پرداخت، سهم دهک‌های مختلف از افزایش شکاف درآمد و هزینه است. پرسش این است که آیا افزایش سطح درآمد‌ها نسبت به هزینه‌ها به‌معنای بهتر شدن اوضاع اقشار محروم و آسیب‌پذیر در دهک‌های بالایی است یا بهبود وضع دهک‌های پردرآمد منجر به چنین تغییراتی شده است؟ پاسخ، با تحلیل داده‌های دهک‌های مختلف در

وضع در همه دهک‌های درآمدی صادق نیست.

**پر درآمدها، برنده شکاف دخل و خرج**  
با وجود این آمارها یک نکته را باید گوشزد کرد. مثبت شدن میانگین کلی درآمد خانوارها لزوماً حاکی از بهبود وضع خانوارها نیست، چرا که رشد مابه‌التفاوت‌ها در دهک‌های کم‌تر برخوردار از میزان رشد درآمد‌ها کمتر است که به تعبیری، نشان‌دهنده کاهش مقدار سهم پول باقی‌مانده در مقایسه با سطح درآمد‌هاست. این موضوع به‌خصوص آنجایی مهم است که بدانیم وضع چهار دهک در شهرها و پنج دهک پایین درآمدی در نقاط روستایی نسبت به سال گذشته بدتر شده و تنها دهک‌های بالای درآمدی بوده‌اند که تجربه شکاف مثبت درآمد و هزینه داشته‌اند و از اثرات تورمی اقتصاد ضربه کمتری خورده‌اند. این بدان معناست که برنده واقعی سالی که تورم افسار گسیخته اقتصاد ایران را در نور دیده، از منظر توازن دخل و خرج خانوار، دهک‌های پردرآمد بوده‌اند. اختلافی که البته به‌دتر شدن ضریب جینی هم دامن زده است. گرچه بررسی روندهای دو سال گذشته نشان می‌دهد خانوارها چه در بخش شهری و چه در بخش روستایی، درآمدهای بیشتری از هزینه‌هایشان داشته‌اند، اختلاف درآمد و هزینه خانوار در سال گذشته نسبت به سال قبل از آن، افزایش پیدا کرده است. متوسط درآمد کل سالانه خانوارهای شهری در سال گذشته نسبت به دو سال قبل از آن به‌طور تقریبی شش میلیون و ۷۰۰ هزار تومان افزایش داشته و از آن سو نیز رشد هزینه خانوارها در این بازه، شش میلیون و ۳۷۰ هزار تومان بوده که کمتر از میزان درآمد‌هاست. نتیجه این تفاوت در مقدار رشد درآمد و هزینه، افزایش مقدار مابه‌التفاوت درآمد و هزینه در سال ۹۷ نسبت به سال قبل از آن است. حال اگر با نگاهی دقیق‌تر آمار دخل و خرج خانوار را تحلیل کنیم، تصویرمان از وضع خانوار به کل دگرگون می‌شود.

**بهبود وضع خانوارها؟**  
نخست اینکه افزایش نسبت درآمد و هزینه

**فشار هزینه‌ها بر اقشار کم‌درآمد**  
بعد از یک دوره بحرانی، اقتصاد کشور وارد دوران بازسازی شده و در آستانه فصل رونق قرار گرفته است. مجامع و نهادهای بین‌المللی در ارزیابی‌های خود، چشم‌انداز انتظاری آینده اقتصاد ایران را مثبت می‌بینند و رئیس کل بانک مرکزی هم از رشد ۰/۴ درصدی بخش غیر نفتی اقتصاد در بهار امسال نسبت به مدت مشابه سال ۹۷ خبر داده است. سالی که نه تنها اقتصاد تحولات پرنوسانی را پشت‌سر گذاشت، بلکه خانوارها هم برهه‌ای پر فشار را تحمل کردند. مرکز آمار می‌گوید، گرچه میانگین تراز مالی خانوارها در سالی که گذشت، مثبت بوده، توازن هزینه درآمدی دهک‌های کم‌تر برخوردار در مقایسه با سال گذشته بدتر شده است. به این ترتیب که از میان ۱۰ دهک درآمدی، شش دهک در سال ۹۷ نسبت به دوره یک ساله قبل از آن، فشارهای بیشتری در زمینه مدیریت دخل و خرج خود تجربه کرده‌اند و تنها در سه دهک، اوضاع اندکی بهبود یافته است. وضع دهک پنجم تغییر خاصی نکرده و دو دهک نهم و دهم به دلیل اینکه عایدی بیشتری داشته‌اند، شکاف کمتری در دخل و خرج‌هایشان داشتند. این یعنی تورم بالا و کسری نقدینگی ماهانه خانوار بیش از همه به اقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر ضربه وارد کرده است. براساس این گزارش، اختلاف میزان درآمد و هزینه‌های خانوارها در سال ۹۷ نسبت به سال پیش از آن افزایش یافته است. محاسبات مرکز آمار حکایت از آن دارد که میانگین درآمد هر خانوار شهری در سال گذشته، ۴۳ میلیون و ۴۹۱ هزار تومان بوده و از آن سو هم هزینه‌ها ۳۹ میلیون و ۲۲۳ هزار تومان بوده است. به عبارت دیگر، هر خانواده ایرانی شهری در طول هر ماه سه میلیون و ۶۲۴ هزار تومان درآمد و سه میلیون و ۲۷۷ هزار تومان نیز خرجی داشته است. در میان روستائیان نیز هر خانوار روستایی در سال ۹۷ به ترتیب ۲۳ میلیون و ۳۱۱ هزار تومان درآمد و ۲۱ میلیون و ۴۴۷ هزار تومان هزینه داشته که معادل ماهانه یک میلیون و ۹۴۳ تومان درآمد و یک میلیون و ۷۸۷ هزار تومان هزینه است. گرچه در مجموع اختلاف مثبت درآمد و هزینه ماهانه هر خانوار شهری به‌طور میانگین در سال گذشته ۳۴۷ هزار و ۳۰۰ تومان بوده، اما نکته این است که این